



نیاز به حضور ترانه‌سرایانی نیز داشت که با همان نگاه نوجو، استحکام وجه زبانی و ادبی ترانه را با معیارهای استاندارد زبان فارسی در نظر بگیرند. ایرج جنتی عطایی توانست این منظر ترانه نوین را در پیوند با سادگی، رسانایی و تعهد محتوایی، راهبری کند. به گمان من ایرج و شهیار با همراهی یکدیگر توانسته‌اند آغاز ترانه نوین را رهبری کنند و هرکدام و جوهی از ویژگی‌های این جریان مهم را تثبیت کرده‌اند.
باین‌حال شهیار قنبری همواره و جسورانه در این مسیر قدم برداشته است. تلاش‌های او پس از انقلاب برای ارائه‌ی نوآوری در ترانه فارسی بی‌بدیل است. تألیف کتاب‌های آموزشی، انتشار مداوم مجموعه‌ترانه‌های شهیار و برگزاری مداوم کارگاه‌های آموزشی نشان از روحیه خستگی‌ناپذیر او در تلاش برای ارتقای کیفی ترانه فارسی دارد.

نکته‌ی مهم اما این است که امروز ذائقه مخاطب ترانه فارسی از ترانه نوین عبور کرده و ترانه فارسی به تبع مرور زمان به افق‌هایی دیگرگون رسیده است. ترانه‌های پسانوین فارغ از ویژگی‌های کیفی‌شان در مارکت ترانه امروز فارسی سهم بسیار بیشتری از ترانه نوین دارند. اما به گمان من ترانه نوین تا سال‌ها زیرساخت هر گونه ادبی و هنری در شکل ترانه خواهد بود. آن چه شهیار و هم‌راهانش برای ما به یادگار گذاشته‌اند در حقیقت، زیربنایی مستحکم برای بخشی همیشگی‌مانند گرفته‌شده از هنر و ادبیات این مرز و بوم است. زادروز شهیار قنبری، یادآور موهبت جسارت و نوجویی در ترانه مدرن فارسی است.

در بین ترانه‌های شهیار قنبری، ترانه‌ی «آی مردم، مُردم» واضح‌ترین غمنامه زن شرقی است. این ترانه که در سال ۱۳۸۴ منتشر شده، داستان زنی کنک‌خورده است؛ «اهل خودپیرانی» که «مثل یک کوه بیخ» قطره‌قطره در گوشه‌ی «مطبخ» آب می‌شود. شهیار در این ترانه، با توصیف‌ها و ترکیب‌سازی‌های همیشگی‌اش، تلاش کرده داستان زن کلاسیک شرقی را بازگو کند اما اوج این ترانه به عقیده من سطری از ترجیع‌بند آن است: «من به خود نه که به زن بد کردم!» این سطر که ترکیب «اهل خودپیرانی» در ابتدای ترانه را کامل می‌کند، مفهومی است که لااقل در آن سال‌ها در جامعه ایرانی بکر و تازه است؛ زنان علیه زنان. شاعر در این ترانه، اگرچه در جای جای متن، «مرد نامرد» قصه و فضای مردسالارانه حاکم را به چالش می‌کشد، اما از وظیفه زنان در قبال یکدیگر نیز غافل نمی‌شود و اگر چه کوتاه و جزئی اما درست و به‌جا به آن اشاره می‌کند.

با این تفاسیر به‌جرات می‌توان گفت در عصری که تعداد ترانه‌سرایان زن، بسیار کمتر از ترانه‌سرایان مرد بود (و هنوز هم چنین است)، شهیار قنبری به‌عنوان یکی از سردمداران ترانه نوین، توانسته است با نگاهی منصفانه و واقع‌بینانه، دغدغه‌های زنان را نیز در ترانه‌های خود منعکس کند.

نگاه ترانه‌سرا / ۲

آرتیستی با معیارهای جهانی

شهیار هنر مندی بدون تاریخ مصرف و بدون بازنشستگی است



علی ایلیا ترانه‌سرا

بد اخلاق! احمسوا! معترض! هیچ‌کس را قبول ندارد! بیشترین توصیفاتی که از او شنیده‌ام. عده‌ای هم با وجود اینکه اصرار دارند حرفه‌ای کار می‌کنند، یا اورانمی‌شناسند یا کم می‌شناسند و به شنیده‌هایشان در مورد او اکتفا می‌کنند و با همان متر و معیار او را قضاوت می‌کنند. البته عده‌ای هم مانند من از او سیر نمی‌شوند. همیشه تشنه خواندن و شنیدنش هستم. ما «شهیارشیدایان» هستیم. در چنددوره‌ای که کارگاه‌های کوچک ترانه‌نویسی داشته‌ام، تاوانسته‌ام از او گفته‌ام. اورا شناسانده‌ام و کوشیده‌ام نشان بدهم چرا شاعر خوب و بیشتر از آن هنرمندی «مهم» است؟ به نظر من شهیار رانمی‌شود یا متر هنرمندان ایرانی سنجید. متر او متر ایرانی نیست، متر جهانی است. به همین دلیل است که به «ساده گرفتن‌ها» و «چرکنویس‌ها» خرده می‌گیرد. در کار خود او که چندوجهی است و صرفاً به ترانه‌نویسی محدود نمی‌شود، می‌شود به‌راحتی این خصوصیت را دید. او فقط شاعر نیست. برنامه‌ساز حرفه‌ای رادیو و تلویزیون هم هست. روزنامه‌نگار هم هست. فیلم‌ساز هم هست. ملودی‌ساز فوق العاده‌ای هم هست؛ ملودی‌هایی که مثل اشعارش بی‌مانند است، با امضایی که نمی‌شود حتی در تقلید هم به اون‌ نزدیک شد. به گمانم، شاعر خوب شاعری است که تفکرات زیبایی داشته باشد.

همانطور که نیما یوشیج بزرگ در کتاب «نامه‌هایی به همسایه» می‌نویسد: «شاعر باید خودش و همه کس باشد. بدون خلوت با خود شعر شما تطهیر نمی‌یابد. شاعر این کالا را از جمعیت می‌گیرد و در خلوت آن را منظم می‌کند.» این امتیاز شهیار است. زیبا فکر می‌کند. از نوجوانی چنین بوده. از روزهایی که در ۱۵ سالگی در مجله‌ای می‌نوشت و هر جا که کم می‌آوردند او را به کمک می‌طلبیدند. از همان روزها هم با سانسور آشنا شده و سعی کرده است با آن مقابله کند. اولین روزپوئی او با سانسور در مورد مقاله‌ای است که او در باب «بارتی» نوشته است و «محرملی خان»، سانسورچی ترسناک معروف آن روزها او را احضار می‌کند. اما این پایان کار نیست. او در روزهایی که به همراه سیمین بهبهانی، بدالله ربیعی، هوشنگ ابتهاج و... به عضویت شورای شعر در می‌آید سعی می‌کند تا کارها را با متر حرفه‌ای بسنجد و او سانسور آنها جلوگیری کند. در شورایی که حتی اشعار خود او هم رد می‌شود. در کافه «دکتر» که پاتوق شاعران است و بعضی شب‌ها در آن جمع می‌شوند و به گفت‌وگو و شعر خوانی می‌پردازند، اردلان سرفراز را می‌بیند و وقتی متوجه استعداد او می‌شود، برخلاف «سنت ایرانی»، به ترانه نوشتن تشویقش می‌کند. بعد از

انقلاب، در مدرسه‌ای در پاریس، معلم می‌شود و کلاسی بی‌ نظیر را اداره می‌کند. از شاگردهای آن کلاس، شخصی سال‌ها بعد با او تماس می‌گیرد و می‌گوید، در فرانسه به جایگاهی ویژه رسیدی؛ فیلسوف است و هر چه دارد از همان کلاس‌ها دارد. همین کار را چند سالی است که در «کارگاه هنر» هم ادامه می‌دهد. پرورش ذهن‌های مستعد؛ نه با تخریب که با تشویق. کارگاه‌های او صرفاً کارگاه شعر یا ترانه نیست. کارگاه نقاشی هم هست. کارگاه فیلم‌سازی هم هست، کارگاه همه‌چیز است، کارگاه زندگی است. در چند سال اخیر شناخت ترانه‌نویسان «نوین» از کاری که انجام می‌دهند و تاریخچه آن، کمتر و کمتر شده است. آدرس‌های غلط به آنها داده شده. آنها بزرگان کار خود را نمی‌شناسند و با تعریفی بیرونی و بیشتر به امید دیده‌شدن و شهرت وارد این عرصه می‌شوند. همین امر هم باعث می‌شود ترانه معاصر در هر ژانری از عنصر «ماندگاری» تهی شود و به کالایی یکبار مصرف تبدیل شود. من «شهیار شید» در طی این سال‌ها سعی کرده‌ام او را به دیگران و ترانه‌نویسان بشناسانم. بارها به خاطر علاقه‌ام به او جنگیده‌ام. با عشق هم جنگیده‌ام.

«شهیار» شنیدن‌ها جنگیده‌ام! در جلسه شعری، یکی از ترانه‌نویسان تازه کار به‌شدت و البته مثل همیشه بدون شناخت به شهیار ناخوت، به او گفتم: کارهایش را شنیده‌ای؟ نه آنها که برای دیگران نوشته، آلبوم‌های خودش. کنه‌پایش را خوانده‌ای؟ کنسرت «خانم آتشین» را دیده‌ای؟ که چقدر درست با او همصدا شده و در انتهای برنامه خانم آتشین او را «پدر ترانه نوین» معرفی می‌کند؟ گفت: نه!! و به تقدیهای همراه با مملکت ادامه‌داد. گفتم: اگر ترانه‌نویس باشی و شهیار را دوست نداشته باشی، این دیگر به اینکه چه کسی چه سلیقه‌ای دارد ربطی ندارد، این بی‌سلیغی است! رنجید. اما همین باعث شد برای بحث با من شهیار را جستوجو کند و بشناسد و بعد از شناخت گفت: حق با شما بود، باید او را می‌شناختم و کاش زودتر این شناخت را داشتم.

سال ۲۰۱۱، من ۲۶ ساله، پیامی از او در فیس‌بوک دریافت می‌کنم. برابم نوشته که ترانه‌هایم را خوانده و تشویق می‌کند به نوشتن و کار کردن. هزاران بار پیامش را می‌خوانم، ذوق می‌کنم. انرژی می‌گیرم. آن پیام را اسکرین‌شات می‌گیرم، چاپ می‌کنم، قاب می‌کنم و به دیوار خانه‌ام می‌زنم. شهیار، خوش اخلاقی، حرفه‌ای، مشوق واقعی و کاربلد هنردوستان، متفاوت، جسور، هنرمندی بدون تاریخ مصرف و بدون بازنشستگی است. هنوز کار می‌کند، زیاد هم کار می‌کند. او کسی را با جامعه‌ای رابدیخت نکرده!!! او معلم بوده، زیبایی آفریده. او با ادبیات، چراغ راه بوده است.

۱۵

شبه ۶ مرداد ۱۴۰۳

سال سوم • شماره ۵۶۲

www.hamhianonline.ir



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه سه شناسه آگهی: ۱۷۵۹۲۴۰

برابر برای شماره ۱۷۹۱۰۱۷۰۱۴۵۷۰۳۱۰۳۶۰۱۴ مورخه ۲۳/۰۴/۰۳۱۴ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی ارضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه سه ساری تصرفات مالکانه آقای محمد ملکی کینمی فرزند محسن به شماره ملی ۵۷۶۹۸۷۴۴۳۰۵۳۰۳ به شماره پرونده ۱۷۲-۱۴۰۳ نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین زراعی محصور به مساحت ۵/۷۸۲۱ (هفت هزار و هشتصد و بیست و یک متر و پنجاه سانتی متر) مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۴ اصلی واقع در بخش ۲۱ قریه کنیم ثبت ساری خریداری از آقای محسن ملکی کینمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول: ۰۶/۰۵/۱۴۰۳-تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴/۰۵/۱۴۰۳

فریب‌رز یوسفیان حمیدی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۲۰/۰۹/۱۳۹۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
املاک متقاضی واقع در قریه لرگان پلاک ۲۹ اصلی بخش ۲۲ بیلاقی کلاسه ۲۵۵۲/۱۴۰۲ پلاک ۷۶۵ فرعی خانم سیده زهرا زارع تاش فرزند رمضان نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین کشاورزی (کاربری زراعی) به مساحت ۲۲/۵۳۶۰ مترمربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از آقای سیدپیمان حسینی لرگانی لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی/کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل و وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

علی اکبر مقدسی فر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

تاریخ انتشارنوبت اول: ۰۶/۰۵/۱۴۰۳-تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴/۰۵/۱۴۰۳

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران

آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود املاک مشروح ذیل در ساعت و تاریخ‌های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد.
املاک متقاضی واقع در قریه لرگان پلاک ۲۹ اصلی بخش ۲ بیلاقی کلاسه ۲۵۵۲/۱۴۰۲ پلاک ۷۶۵ فرعی خانم سیده زهرا زارع تاش فرزند رمضان نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین کشاورزی (کاربری زراعی) به مساحت ۲۲/۵۳۶۰ مترمربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از آقای سیدپیمان حسینی لرگانی ساعت ۵ صبح روز دوشنبه مورخ ۲۹/۰۵/۱۴۰۳ لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتقایی دعوت می‌شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند. بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانون آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد. معترضین می‌توانند به استناد ماده ۲۶ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آئین‌نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتباً به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجح قضایی نمایند. در غیر این صورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون وجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می‌یابد.

تاریخ انتشار: ۰۶/۰۵/۱۴۰۳

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۲۰/۰۹/۱۳۹۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
املاک متقاضی واقع در قریه صلاح الدین کلا پلاک ۱ اصلی بخش ۳ قشلاقی کلاسه ۸۰۶/۱۴۰۲ پلاک ۴۸۳ فرعی آقای حمیدرضا صلاحی کجور فرزند محمدرضا نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی (کاربری مسکونی) به مساحت ۵۴/۳۹۵ مترمربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از آقای محمدرضا صلاحی لذا به موجب ماده ۳ اتنون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی/کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

علی اکبر مقدسی فر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

تاریخ انتشارنوبت اول: ۰۶/۰۵/۱۴۰۳-تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴/۰۵/۱۴۰۳